

The Relationship between Love Styles, Humor Styles and Marital Satisfaction

Fozia Azimi¹, Mehrdad Hajihassani^{2,*}, Zabihollah Kaveh Farsani²

¹ Master of Family Counseling, Shahrekord university, Shahrekord, Iran

² Associate Professor, Department of Counseling, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 15 February 2025

Revised: 25 July 2025

Accepted: 31 August 2025

Available online: 21 September 2025

Article Type: Research Article

Keywords

Marital Satisfaction; Love Styles; Humor Styles

Corresponding Author*

Mehrdad Hajihassani received his Ph.D. in Counseling from Allameh Tabataba'i University in Tehran and is currently an Associate Professor of Counseling at Shahrekord University. His research interests include marriage, divorce, and family studies. He is affiliated with the Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. For correspondence regarding this article, Dr. Hajihassani can be contacted at the Department of Counseling, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Boulevard Rahbar, Postal Code 8818634141.

ORCID: 0000-0002-9585-9357

E-mail: dr_hajihassani@sku.ac.ir

doi: <http://dx.doi.org/10.29252/bjcp.19.1.89>

ABSTRACT

Communicational and emotional styles play a crucial role in the quality of marital relationships. The present study aimed to investigate the relationship between love styles and humor styles with marital satisfaction. This research employed a quantitative, correlational design. The statistical population included married men and women in Chaharmahal and Bakhtiari Province, from which 400 individuals were selected using a convenience sampling method. The research instruments were the ENRICH Marital Satisfaction Questionnaire (Olson, 1998), the Love Styles Questionnaire (Hendrick, 1986), and the Humor Styles Questionnaire (Martin, 2003). Results of the independent t-test revealed that men reported significantly higher marital satisfaction than women. Pearson correlation analysis showed that eros, storge, pragma, and agape love styles were positively and significantly associated with marital satisfaction in both genders, while ludus love style showed a significant relationship only in women. Regarding humor styles, only self-enhancing humor was positively associated with marital satisfaction in men. In contrast, in women, self-enhancing, aggressive, and self-defeating humor styles were negatively and significantly related to marital satisfaction. To explore the predictive role of the variables, a stepwise regression analysis was conducted. Gender, love styles, and humor styles were entered as predictor variables. The final model, in five steps, significantly predicted marital satisfaction, with eros, self-defeating humor, storge, pragma, and mania contributing meaningfully to the prediction. Altogether, the model accounted for 49% of the variance in marital satisfaction. These findings underscore the complexity of psychological and behavioral factors affecting marital satisfaction and highlight the importance of understanding such variables to enhance marital quality.

Citation: Azimi, F., Hajihassani, M., & Kaveh Farsani, Z. (2024/1403). The Relationship between Love Styles, Humor Styles and Marital Satisfaction. *Contemporary Psychology*, 19(1), 89-102. <http://dx.doi.org/10.29252/bjcp.19.1.89>

رابطه بین سبک‌های عشق‌ورزی، سبک‌های شوخ‌طبعی و رضایت زناشویی

فوزیه عظیمی^۱، مهرداد حاجی‌حسینی^{۲*}، ذبیح‌الله کاوه فارسانی^۲

^۱ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

^۲ دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

چکیده

سبک‌های ارتباطی و عاطفی در کیفیت روابط زوجین نقش مهمی ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه بین سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی با رضایت زناشویی انجام شد. این پژوهش به روش کمی و از نوع همبستگی طراحی شد. جامعه آماری شامل مردان و زنان متاهل استان چهارمحال و بختیاری بود که از میان آن‌ها ۴۰۰ نفر از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریچ اولسون (۱۹۹۸)، سبک‌های عشق‌ورزی هندریک (۱۹۸۶) و سبک‌های شوخ‌طبعی مارتین (۲۰۰۳) بود. نتایج آزمون t مستقل نشان داد که رضایت زناشویی در مردان به‌طور معناداری بیشتر از زنان است. طبق نتایج همبستگی پیرسون، سبک‌های عشق اروس، استورگ، پراگما و آگاه در هر دو جنس با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری داشتند؛ در حالی که، سبک عشق لودوس تنها در زنان معنادار بود. در بررسی سبک‌های شوخ‌طبعی، در مردان تنها سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده با رضایت زناشویی ارتباط مثبت داشت؛ در حالی که، در زنان سبک‌های شوخ‌طبعی خودافزاینده، پرخاشگرانه و خودکاهنده به‌طور معناداری با رضایت زناشویی ارتباط منفی داشتند. برای بررسی نقش و سهم متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس رضایت زناشویی، از تحلیل رگرسیون به شیوه گام‌به‌گام استفاده شد. در این تحلیل، متغیرهای جنسیت، سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان داد که مدل رگرسیون در پنج گام قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی در نمونه پژوهش بود. در گام نهایی، متغیرهای اروس، سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده، استورگ، پراگما و مایا سهم معناداری در پیش‌بینی رضایت زناشویی گروه نمونه داشتند. در نهایت، این مدل قادر به تبیین ۴۹ درصد از واریانس رضایت زناشویی بود. این یافته‌ها پیچیدگی عوامل موثر بر رضایت زناشویی را نشان می‌دهند و بر اهمیت درک متغیرهای روان‌شناختی و رفتاری مختلف به‌منظور بهبود کیفیت زندگی زناشویی تاکید دارند.

اطلاعات مقاله

تاریخچه

دریافت: ۲۷ بهمن ۱۴۰۳

اصلاح نهایی: ۳ مرداد ۱۴۰۴

پذیرش: ۹ شهریور ۱۴۰۴

انتشار آنلاین: ۳۰ شهریور ۱۴۰۴

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

کلیدواژه‌ها

رضایت زناشویی؛ سبک‌های عشق‌ورزی؛ سبک‌های شوخ‌طبعی

نویسنده مسئول*

مهرداد حاجی‌حسینی درجه دکتری مشاوره خود را از دانشگاه علامه طباطبایی تهران دریافت کرد. در حال حاضر او دانشیار مشاوره در دانشگاه شهرکرد است. حیطه تخصصی وی شامل ازدواج، طلاق و خانواده است. وی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران مشغول به فعالیت است. برای مکاتبه در مورد این مقاله می‌توان با دکتر حاجی‌حسینی در گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، بلوار رهبر، کد پستی ۸۸۱۸۶۳۴۱۴۱ تماس حاصل کرد.

ارکید: ۹۳۵۷-۹۵۸۵-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

پست الکترونیکی: dr_hajihassani@sku.ac.ir

مقدمه

از طرفی دیگر، رضایت زناشویی تاثیر زیادی بر وضعیت روانی فرد دارد (گوان، ۲۰۰۵). داشتن یک رابطه زناشویی سالم و مستحکم، اساس یک زندگی شاد و بهزیستی روانی است (آماتو و کیت، ۱۹۹۱). چتین (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که افراد با رضایت بالاتر از ازدواج، سطح بالاتری از رضایت زندگی دارند و کمتر به افسردگی دچار می‌شوند. مطالعات دیگری نیز نشان داده‌اند که افراد با رضایت زناشویی بیشتر، فشار خون و استرس کمتری دارند، خواب بهتری می‌بینند و کمتر به پزشک مراجعه می‌کنند (کریگ و اولسن، ۱۹۹۵). افراد راضی از ازدواج خود، تمایل دارند که سطوح بالاتری از

نگاهی به زندگی انسان‌ها نشان می‌دهد که بخش زیادی از آن در فرآیند ازدواج می‌گذرد. ارتباط زناشویی بر جنبه‌های مختلف زندگی فرد تاثیرگذار است. برخی بر این باورند که ازدواج می‌تواند نیازهای اساسی انسان مانند تعلق، محبت و دریافت عشق را برآورده کند و به فرد کمک کند تا به حیات خود ادامه دهد (چلیک، ۲۰۱۲). همچنین، اشاره شده است که بسیاری از افراد با این انتظار ازدواج را انتخاب می‌کنند که در این رابطه، خوشبختی و رضایت را تجربه کنند (درباشی، ۲۰۰۴). میزان تحقق این انتظار، تعیین‌کننده رضایت و لذت فرد از زندگی زناشویی است (انجو، ۲۰۰۷).

جهانی و یکنواخت نیست و شیوه‌ها و خصوصیات مختلفی در نحوه تجربه آن در یک رابطه وجود دارد (برشاید، ۲۰۱۰). هندریک و هندریک (۱۹۸۶) عشق را به شش سبک مختلف تقسیم کردند: اروس^۱ (عشق رمانتیک)، لودوس^۲ (عشق بازیگوشانه)، استورگ^۳ (عشق دوستانه)، پراگما^۴ (عشق عقلانی)، آگاپه^۵ (عشق ایثارگرانه) و مانیا^۶ (عشق وابسته و تصاحب‌کننده). هر یک از این سبک‌ها ویژگی‌های خاصی دارند که بر نوع ابراز و تجربه عشق تاثیر می‌گذارند (آسه‌ویدو و آرون، ۲۰۰۹).

با توجه به بستر رابطه‌ای که در آن عشق به‌طور کامل ابراز می‌شود، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های عشق مختلف با ابعاد گوناگون کیفیت و دوام ازدواج مرتبط هستند. پژوهش‌های گانا و همکاران (۲۰۱۳) و آگوس و همکاران (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که سبک عشق هر یک از زوجین، تاثیر زیادی بر رضایت کلی زناشویی دارد و می‌تواند تعهد و احساسات طرفین را تقویت کند. سبک‌های عشق اروس و آگاپه، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت زناشویی به شمار می‌روند (فهر و همکاران، ۲۰۱۴). وِدس و همکاران (۲۰۱۶) این ارتباط را در زنان بیشتر مشاهده کردند؛ در حالی که، کیمبرلی و ورنر-ویلسون (۲۰۱۳) این ارتباط را در مردان قوی‌تر یافتند. در مجموع، سبک لودوس به‌طور کلی با کاهش رضایت زوجین مرتبط است (گودوبوی و مایرز، ۲۰۱۰). مانیا نیز یکی دیگر از سبک‌های عشق است که برای کیفیت زناشویی مشکل‌ساز تلقی می‌شود (فهر و همکاران، ۲۰۱۴). دو سبک دیگر، استورگ و پراگما، توجه کمتری در ادبیات زناشویی دریافت کرده‌اند. به‌طور کلی، این سبک‌ها با روابط پایدار مرتبط هستند (هموک و ریچاردسون، ۲۰۱۱).

علاوه بر این، ابراز احساسات از طریق مسیرهای مختلفی انجام می‌شود. برای مثال، فردی که از شریک خود ناراحت است ممکن است این احساس را با گریه، فریاد، افسردگی یا سکوت ابراز کند؛ یا فردی که از شریک خود خوشحال است ممکن است این احساس را با خندیدن، بغل کردن یا صحبت کردن نشان دهد. اگرچه مسیرهای مختلفی برای ابراز احساسات منفی و مثبت استفاده می‌شود؛ اما، یک مسیر مشترک برای ابراز این احساسات وجود دارد و آن استفاده از شوخی^۷ است (مارتین و همکاران، ۲۰۰۳). در ازدواج، شوخی ممکن است به‌طور مثبت برای ایجاد محبت (آمرن، ۲۰۰۲) یا برای تنظیم رابطه به‌منظور حل مشکلات (دکنینگ و ویس، ۲۰۰۲) یا به‌طور منفی برای آسیب زدن به طرف مقابل یا ابراز احساسات منفی (ساروگلو و همکاران، ۲۰۱۰) استفاده شود. برای مثال، اگرچه مردان در روابط

خوشبختی را تجربه کنند، توانایی بیشتری برای مقابله با شرایط نامساعد داشته باشند (برادبری و همکاران، ۲۰۰۰)، احساس بیشتری از شایستگی والدینی داشته باشند و علائم افسردگی کمتری را تجربه کنند (چویی و جونگ، ۲۰۲۱). علاوه بر این، رضایت زناشویی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده کیفیت همکاری در والدین است (فان و همکاران، ۲۰۲۰) و بر خودکارآمدی و شایستگی ادراک‌شده در انجام نقش والدینی تاثیر می‌گذارد (اسکندری و همکاران، ۲۰۱۹). به‌طور کلی، رضایت زناشویی یک عامل حیاتی است که بر سلامت جسمی و روانی افراد تاثیر می‌گذارد.

عوامل مختلفی بر رضایت زناشویی تاثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها می‌توان به کیفیت روابط زناشویی و نحوه عملکرد زوجین در زندگی مشترک اشاره کرد. این عوامل به دو بُعد اساسی تقسیم می‌شوند: عشق و عملکرد زناشویی. عشق به احساساتی مربوط می‌شود که هر یک از زوجین نسبت به دیگری یا رابطه خود دارند و شامل ابعادی چون ابراز احساسات، صمیمیت عاطفی، رابطه جنسی و نظر در مورد ویژگی‌های جسمی و روانی شریک زندگی است (ناریسیسو و کوستا، ۱۹۹۶). عملکرد زناشویی نیز به نحوه سازمان‌دهی و مدیریت روابط درون خانواده و زندگی مشترک اشاره دارد و شامل مسائلی مانند نقش‌ها، عملکردها، زمان آزاد، استقلال، ارتباطات، تضادها و روابط فراتر از خانواده می‌شود (ناریسیسو و کوستا، ۱۹۹۶).

همچنین، نحوه مدیریت تفاوت‌ها و مشکلات در زندگی مشترک، می‌تواند عامل مهمی برای تمایز میان زوج‌های راضی و ناراضی باشد (مارکمن، ۱۹۹۲؛ هال، ۲۰۰۶). یکی از اجزای کلیدی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی، مهارت‌های ارتباطی زوجین است که به‌طور قوی با رضایت و پایداری زناشویی مرتبط است (لاونر و همکاران، ۲۰۱۶؛ هاریس و کومار، ۲۰۱۸). در این راستا، عواملی همچون سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی، می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری رضایت زناشویی ایفا کنند. در این پژوهش، به بررسی این عوامل و نقش آن‌ها بر رضایت زناشویی پرداخته می‌شود.

عشق رمانتیک به‌عنوان یکی از اجزای اساسی زندگی افراد و انگیزه‌های مهم برای تعهد به روابط پایدار مانند ازدواج یا زندگی مشترک شناخته می‌شود (حسینی و همکاران، ۲۰۱۳). این عشق به همراه عواملی مانند صمیمیت، تعهد و محبت، برای داشتن رابطه‌ای رضایت‌بخش و پایدار ضروری است (آبرو-افنسو و همکاران، ۲۰۱۲؛ یو و جو، ۲۰۲۱). با این حال، عشق رمانتیک به‌عنوان یک تجربه

5 agape

6 mania

7 humor

1 eros

2 ludus

3 storge

4 pragma

در این پژوهش، ما به بررسی این مسئله پرداختیم که آیا بین سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی با رضایت زناشویی رابطه‌ای وجود دارد و آیا این متغیرها می‌توانند نقش معناداری در پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان و مردان ایفا کنند؟

روش

طرح پژوهش

روش پژوهش حاضر کمی از نوع همبستگی بود که در آن رابطه بین متغیرهای رضایت زناشویی، سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی مورد سنجش قرار گرفت. این روش امکان تحلیل و ارزیابی میزان همبستگی بین این متغیرها را فراهم می‌کند تا بتوان به درک بهتری از عوامل موثر بر رضایت زناشویی دست یافت.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان متاهل استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۴۰۳ بود که تمایل به شرکت آزادانه در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش داشتند. حجم نمونه این پژوهش، ۴۰۰ نفر از مردان و زنان متاهل این استان بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. مبنای انتخاب حجم نمونه، روش پژوهش بود. با توجه به اینکه روش پژوهش از نوع همبستگی چندگانه بود، انتخاب ۴۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه، مناسب و کافی تلقی شد (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۱۳). ملاک‌های ورود به پژوهش شامل وضعیت تاهل رسمی حداقل یک سال، عدم وجود بیماری‌های مزمن روان‌شناختی یا جسمی و مهارت درک و تکمیل پرسشنامه‌ها به زبان فارسی بود. شرکت‌کنندگان باید قادر می‌بودند به درستی پرسشنامه‌ها را بخوانند و تکمیل کنند؛ زیرا، نقص در فهم سوالات می‌تواند منجر به داده‌های نادرست و خطا در تحلیل‌ها شود. همچنین، ملاک‌های خروج از پژوهش شامل عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش، عدم تکمیل کامل پرسشنامه‌ها و ارائه پاسخ‌های غیرمنطقی یا ناسازگار بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ این پرسشنامه توسط اولسون (۱۹۸۹) طراحی شد و شامل ۴۷ سوال است که ۱۲ خرده‌مقیاس را ارزیابی می‌کند. خرده‌مقیاس‌ها شامل پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، فرزندان و فرزندپروری، بستگان و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری عقیدتی هستند. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت

بیشتر از زنان از شوخی استفاده می‌کنند (هانی‌کات و براون، ۱۹۹۸)؛ اما، محتوای این شوخی‌ها منفی است و به‌صورت آسیب رساندن یا تحقیر دیگری است (ساروگلو و همکاران، ۲۰۱۰).

استفاده مثبت از شوخی، به‌همان اندازه که حضور احساساتی مانند عشق، اعتماد و محبت مهم است، در ایجاد ارتباط سالم و حفظ موفقیت‌آمیز یک ازدواج نقش دارد (جوهری، ۲۰۰۴). در واقع، شوخی یکی از ویژگی‌هایی است که افراد در روابط خود به دنبال آن هستند و جایگاه بسیار مهمی در روابط عاشقانه دارد (برسلر و بال‌شاین، ۲۰۰۶). استفاده از شوخی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ محبت در ازدواج و ایجاد ارتباط میان زوجها دارد (بوتزار و کوپیر، ۲۰۰۸). تبدیل گفتگوها به یک بازی در تعاملات روزمره علاوه بر درگیری‌ها، پایان دادن به بحث‌ها با هیجان و به‌طور کلی استفاده از شوخی، به‌نظر می‌رسد که برای استمرار رابطه ضروری است (دراور و گاتمن، ۲۰۰۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افرادی که از شوخی به‌طور مثبت استفاده می‌کنند، نسبت به کسانی که شوخی منفی به کار می‌برند، رضایت زناشویی بالاتری دارند (آمرمن، ۲۰۰۲). علاوه بر این، نتیجه‌گیری شده است که افراد متاهل بیشتر از افراد طلاق‌گرفته شوخی مثبت به کار می‌برند (ساروگلو و همکاران، ۲۰۱۰). افرادی که در تطابق با ازدواج مشکل دارند، به‌نظر می‌رسد که شوخی کمتری دارند و از سبک شوخی منفی بیشتری استفاده می‌کنند (کازاریان و مارتین، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، استفاده از شوخی منفی در روابط تأثیر زیادی بر پایان ازدواج‌ها دارد (اکس‌استاین و همکاران، ۲۰۰۳). به‌طور مشابه، سطوح بالای ارتباط منفی می‌تواند استرس زناشویی را افزایش دهد (گوردن و همکاران، ۱۹۹۹).

به‌طور کلی، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عوامل مختلفی بر رضایت زناشویی تأثیر دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی اشاره کرد. برای مثال، می‌توان به پژوهش‌های جوهری (۲۰۰۴)، کازاریان و مارتین (۲۰۰۶)، مارکمن (۱۹۹۲) و هال (۲۰۰۶) اشاره کرد. این عوامل می‌توانند بر کیفیت روابط و رضایت از زندگی مشترک تأثیرگذار باشند. هماهنگی در سبک‌های عشق‌ورزی و استفاده مثبت از شوخ‌طبعی در روابط زناشویی، از جمله عواملی است که می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش دهد. با این حال، برخی پژوهش‌ها (ساروگلو و همکاران، ۲۰۱۰؛ مارتین و همکاران، ۲۰۰۳) نشان داده‌اند که استفاده از شوخ‌طبعی منفی و مشکلات در هماهنگی سبک‌های عشق‌ورزی می‌تواند به کاهش رضایت در روابط زناشویی منجر شود. بنابراین، بررسی نقش سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی در رضایت زناشویی می‌تواند به شفاف‌سازی ابعاد مختلف این عوامل کمک کند. در نتیجه،

¹ ENRICH Marital Satisfaction Questionnaire

بخشی از شواهد روایی همگرا و واگرا، همبستگی شش سبک عشق با هیجان‌های مثبت و منفی مقیاس I-PANAS-SF³ بررسی شد. نتایج نشان داد که سبک‌های عشق اروس و پراگما با هیجان‌های مثبت همبستگی مثبت و معنادار دارند؛ در حالی که، سبک‌های عشق مانیا و لودوس با هیجان‌های منفی همبستگی مثبت و معنادار دارند. همچنین، بین عشق اروس و هیجان‌های منفی رابطه معکوس و معنادار یافت شد. این نتایج نشان‌دهنده رابطه معنادار سبک‌های عشق با هیجان‌های مثبت و منفی است و به این ترتیب، روایی سازه‌ای مناسب پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی تایید شد. علاوه بر این، پورمحسنی (۲۰۱۶) پایایی خرده‌مقیاس‌های این آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با اروس ۰/۷۰، لودوس ۰/۶۷، استورگ ۰/۶۲، پراگما ۰/۷۶، آگاه ۰/۸۷ و مانیا ۰/۷۵ محاسبه کرد. این ضرایب نشان‌دهنده پایایی قابل قبول برای خرده‌مقیاس‌های مختلف پرسشنامه است.

پرسشنامه سبک‌های شوخ‌طبعی^۴: پرسشنامه سبک‌های شوخ‌طبعی توسط مارتین و همکاران (۲۰۰۳) طراحی شد. این پرسشنامه دارای ۳۲ سوال است و به ارزیابی چهار نوع شوخ‌طبعی می‌پردازد: دو سبک مثبت و سازگار (شوخ‌طبعی پیونددهنده و خودافزاینده) و دو سبک منفی و ناسازگار (شوخ‌طبعی پرخاشگرانه و خودکاهنده). این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود، به این صورت که به "کاملاً مخالفم" نمره ۱ و به "کاملاً موافقم" نمره ۷ تعلق می‌گیرد. مطابق با تحلیل کلاسیک انجام‌شده توسط هینز و راج (۲۰۱۵)، روایی همگرا و واگرایی این پرسشنامه بر اساس الگوهای همبستگی بین صفات مختلف و روش‌های مختلف اندازه‌گیری، تایید شد. بر اساس نتایج این تحلیل روایی همگرا برای چهار سبک شوخ‌طبعی (شامل خودکاهنده، پیونددهنده، خودافزاینده و پرخاشگرانه) به‌طور کلی تایید شد. سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده بیشترین همبستگی معنادار را با تعاریف و ساختارهای خود داشت (با ۴۹ درصد اشتراک واریانس)؛ در حالی که، سایر سبک‌ها همبستگی کمتری با تعاریف و ساختارهای خود داشتند. در خارج از کشور، پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ گزارش شده است (مارتین و همکاران، ۲۰۰۳). در ایران نیز، پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف پرسشنامه بین ۰/۷۰ و ۰/۸۵ متغیر بود. همچنین، ضرایب به‌دست‌آمده برای ابعاد خودافزاینده، پیونددهنده، خودکاهنده و پرخاشگرانه به‌ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۸۷، ۰/۷۵ و ۰/۸۰ گزارش شد (زارع و همکاران، ۲۰۰۹).

پنج گزینه‌ای شامل گزینه‌های "کاملاً موافقم"، "موافقم"، "نه موافقم" نه مخالف"، "مخالفم"، و "کاملاً مخالفم" نمره‌گذاری می‌شود. نمره کلی فرد از طریق جمع‌بندی پاسخ‌های ۴۷ سوال به‌دست می‌آید و نمره بالاتر، نشان‌دهنده رضایت زناشویی بیشتر است. این ابزار در پژوهش‌های مختلف از پایایی بالایی برخوردار بوده و ضریب آلفای کرونباخ آن در پژوهش‌های بین‌المللی بالاتر از ۰/۸۵ (نونس و همکاران، ۲۰۲۲) و در مطالعات داخلی ۰/۹۲ گزارش شده است (احدی، ۲۰۱۲). روایی سازه‌ای این مقیاس با مقیاس رضایت خانوادگی بررسی شد و ضریب همبستگی برای نمرات زوجین ۰/۷۱ و برای نمرات فردی ۰/۶۶ گزارش شد (اولسون و همکاران، ۱۹۸۷). این نتایج نشان‌دهنده ارتباط معنادار بین این دو مقیاس و تاییدکننده روایی سازه از نوع همگرا است. در زمینه پایایی، ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برای خرده‌مقیاس‌های مختلف شامل پاسخ قراردادی ۰/۹۰، رضایت زناشویی ۰/۸۱، مسائل شخصیتی ۰/۷۳، ارتباط زناشویی ۰/۶۸، حل تعارض ۰/۷۵، مدیریت مالی ۰/۷۴، فعالیت‌های اوقات فراغت ۰/۷۶، روابط جنسی ۰/۴۸، فرزندان و فرزندپروری ۰/۷۷، بستگان و دوستان ۰/۷۲، نقش‌های مساوات‌طلبی ۰/۷۱ و جهت‌گیری عقیدتی ۰/۷۲ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار در خرده‌مقیاس‌های مختلف است (اولسون و همکاران، ۱۹۸۷). در ایران نیز، ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های مختلف شامل پاسخ قراردادی ۰/۷۲، رضایت زناشویی ۰/۸۵، مسائل شخصیتی ۰/۷۶، ارتباط زناشویی ۰/۷۶، حل تعارض ۰/۷۶، مدیریت مالی ۰/۸۱، فعالیت‌های اوقات فراغت ۰/۶۳، روابط جنسی ۰/۶۹، فرزندان و فرزندپروری ۰/۸۷، بستگان و دوستان ۰/۶۹، نقش‌های مساوات‌طلبی ۰/۶۲ و جهت‌گیری عقیدتی ۰/۷۳ گزارش شده است که حاکی از پایایی مطلوب این ابزار در جامعه ایرانی است (مهدویان، ۱۹۹۷).

پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی^۱: این پرسشنامه توسط هندریک و هندریک (۱۹۸۶) و بر اساس مدل «لی^۲» طراحی شد که در ابتدا شامل ۴۲ گویه بود؛ اما، پس از انجام تحلیل‌های عاملی به ۲۴ گویه کاهش یافت (هندریک و هندریک، ۱۹۸۶). این ابزار به‌صورت چهار گزینه‌ای از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" نمره‌گذاری می‌شود و شش سبک عشق (اروس، لودوس، استورگ، پراگما، آگاه و مانیا) را به شکل کمی و پیوسته اندازه‌گیری می‌کند. در خارج از کشور ضرایب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه عموماً بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۵ گزارش شده است که بیانگر پایایی مطلوب آن است (هندریک و هندریک، ۱۹۸۶). روایی سازه‌ای پرسشنامه سبک‌های عشق‌ورزی در مطالعه ویس و همکاران (۲۰۱۷) تایید شد. در این مطالعه، به‌عنوان

³ The International Version of the Positive and Negative Affect Schedule-Short Form

⁴ Humor Styles Questionnaire

¹ Love Styles Questionnaire

² Lee

ملاحظات اخلاقی

پرسشنامه‌ها و راهنمایی شرکت‌کنندگان بودند. در نهایت، جمع‌آوری داده‌ها در بازه زمانی ۴ ماهه انجام شد.

شیوه تحلیل داده‌ها

در بخش آمار توصیفی، اطلاعات با استفاده از شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد تحلیل شدند. در بخش آمار استنباطی نیز از ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام استفاده شد. تمامی تحلیل‌های توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

نتایج

برای آگاهی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی نمونه پژوهش، شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی بررسی شدند. بر این اساس، میانگین سنی شرکت‌کنندگان مرد ۴۳/۹۶ سال با انحراف استاندارد ۱۰/۰۹ و دامنه سنی ۲۵ تا ۷۲ سال بود. در مقابل، میانگین سنی شرکت‌کنندگان زن ۳۷/۵۹ سال با انحراف استاندارد ۸/۵۴ و دامنه سنی ۱۹ تا ۶۳ سال بود. مدت زمان ازدواج در میان مردان بین ۱ تا ۵۰ سال متغیر بود و میانگین آن ۱۵/۹۴ سال با انحراف استاندارد ۱۰/۷۱ سال بود. در حالی که، مدت زمان ازدواج در میان زنان از ۱ تا ۴۴ سال متغیر بود و میانگین آن ۱۵/۴۶ سال با انحراف استاندارد ۹/۱۰ سال بود.

در این پژوهش، تمامی ملاحظات اخلاقی به‌دقت رعایت شد. از شرکت‌کنندگان پس از دریافت اطلاعات کامل، رضایت آگاهانه کتبی اخذ شد. حفظ محرمانگی داده‌ها، استفاده از شناسه‌های ناشناس و امکان انصراف در هر مرحله از پژوهش تضمین شد. پژوهش به‌گونه‌ای طراحی شد که آسیبی به شرکت‌کنندگان وارد نشود و در صورت نیاز، امکان مشورت با پژوهشگر و یا در اختیار داشتن نتایج کلی مطالعه فراهم بود. علاوه بر این، این پژوهش دارای شناسه اخلاق IR.SKU.REC.1403.030 از کمیته اخلاق دانشگاه بود.

شیوه اجرا

در این پژوهش، پس از انتخاب نمونه و اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان، داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریچ، سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی جمع‌آوری شدند. ترتیب ارائه پرسشنامه‌ها به‌صورت پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، سبک‌های عشق‌ورزی و در نهایت سبک‌های شوخ‌طبعی بود؛ با این حال، اجرا به‌صورت همزمان بود. شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌ها را به‌صورت آنلاین یا کاغذی، بسته به شرایط، تکمیل کردند. مکان‌های اجرا شامل مراکز فرهنگی، محل‌های عمومی و برخی دانشگاه‌ها در استان چهارمحال و بختیاری بودند. مدت زمان پاسخگویی به هر پرسشنامه حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بود. مجریان پژوهش که شامل پژوهشگر اصلی و دستیاران آموزش‌دیده بودند، مسئول جمع‌آوری

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک مردان و زنان برای هر متغیر

متغیر	میانگین		انحراف استاندارد		کجی		کشیدگی	
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
رضایت زناشویی	۱۷۰/۲۳	۱۶۲/۳۷	۲۴/۲۹	۲۶/۷۷	۰/۳۷	۰/۳۰	-۰/۰۴	-۰/۰۴
اروس	۱۲/۷۱	۱۲/۰۵	۲/۳۰	۲/۷۸	۰/۷۸	۰/۳۷	-۰/۱۲	-۰/۱۲
لودوس	۱۲/۲۳	۱۱/۶۲	۱/۷۳	۲/۱۹	-۰/۱۹	-۰/۰۸	-۰/۲۲	-۰/۰۶
استورگ	۱۲/۰۲	۱۰/۲۴	۳/۵۰	۳/۵۱	-۰/۵۶	-۰/۰۱	-۰/۸۵	-۰/۸۵
پراگما	۱۱/۵۰	۱۰/۸۳	۱/۸۹	۲/۱۰	۰/۰۹	-۰/۶۸	-۰/۳۹	-۰/۹۴
مانیا	۱۱/۱۳	۱۱/۱۳	۱/۹۲	۲/۲۴	۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۴۲	۰/۳۰
آگاپه	۱۲/۲۳	۱۰/۶۶	۲/۴۲	۳/۰۲	-۰/۴۹	-۰/۱۰	-۰/۴۹	-۰/۴۹
سبک شوخ‌طبعی پیونددهنده	۳۶/۶۴	۳۵/۵۵	۷/۶۸	۷/۱۱	-۰/۴۵	-۰/۲۹	-۰/۳۱	-۰/۲۸
سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده	۳۲/۹۵	۳۱/۵۷	۶/۸۹	۷/۳۹	۰/۰۲	-۰/۱۱	-۰/۰۷	-۰/۱۱
سبک شوخ‌طبعی پرخاشگرانه	۲۳/۴۰	۲۳/۲۴	۶/۹۸	۶/۷۷	۰/۵۲	۰/۱۸	۰/۵۰	۰/۷۶
سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده	۲۰/۵۷	۱۹/۷۷	۷/۲۱	۷/۴۵	۱/۱۶	۰/۶۷	۰/۷۳	۰/۲۴

(پیونددهنده، خودافزاینده، پرخاشگرانه و خودکاهنده) در هر گروه گزارش شده است. در جدول ۲ نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه رضایت زناشویی بر اساس جنسیت ارائه شده است. مطابق با نتایج جدول ۲، رضایت زناشویی در مردان به‌طور معناداری بیشتر از زنان بود ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را به تفکیک دو گروه مردان و زنان نشان می‌دهد. در این جدول، میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی برای هر یک از متغیرهای پژوهش شامل رضایت زناشویی، سبک‌های عشق‌ورزی (اروس، لودوس، استورگ، پراگما، مانیا و آگاپه) و همچنین سبک‌های شوخ‌طبعی

جدول ۲. نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه رضایت زناشویی در زنان و مردان گروه نمونه

متغیر وابسته	t	df	sig	تفاوت میانگین
رضایت زناشویی	۲/۷۰	۳۹۸	۰/۰۰۷	۷/۸۶

در مردان داشت ($P < ۰/۰۵$). در سبک‌های شوخ‌طبعی نیز، سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده رابطه مثبت و معناداری با رضایت زناشویی در مردان نشان داد؛ اما، سبک‌های شوخ‌طبعی پرخاشگرانه ($-۰/۰۹$) و خودکاهنده ($-۰/۱۵$) رابطه منفی و غیرمعناداری با رضایت زناشویی در مردان داشتند.

در جدول ۳ نتایج همبستگی پیرسون در گروه مردان گزارش شده است. بر اساس نتایج جدول، سبک‌های عشق‌ورزی اروس ($۰/۵۳$)، استورگ ($۰/۵۰$) و پراگما ($۰/۲۸$) همبستگی مثبت و معناداری با رضایت زناشویی در مردان داشتند ($P < ۰/۰۱$). همچنین، سبک عشق‌ورزی آگاه ($۰/۲۳$) رابطه مثبت و معناداری با رضایت زناشویی

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون بین سبک‌های عشق‌ورزی، سبک‌های شوخ‌طبعی و رضایت زناشویی در گروه مردان

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. رضایت زناشویی	۱										
۲. اروس	$۰/۵۳^*$	۱									
۳. لودوس	$۰/۱۳$	$۰/۱۳$	۱								
۴. استورگ	$۰/۵۰^*$	$۰/۵۲^{**}$	$۰/۱۳$	۱							
۵. پراگما	$۰/۲۸^{**}$	$۰/۲۱^*$	$۰/۲۱^*$	$۰/۴۱^{**}$	۱						
۶. مانیا	$۰/۰۷$	$۰/۰۳$	$۰/۱۸$	$-۰/۰۵$	$۰/۰۹$	۱					
۷. آگاه	$۰/۲۳^*$	$۰/۱۷$	$۰/۲۷^{**}$	$۰/۱۳$	$۰/۲۱^*$	$۰/۳۰^{**}$	۱				
۸. سبک شوخ‌طبعی پیونددهنده	$۰/۰۶$	$۰/۱۲$	$۰/۰۲$	$-۰/۰۲$	$-۰/۱۸^*$	$۰/۰۳$	$-۰/۰۶$	۱			
۹. سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده	$۰/۲۴^{**}$	$۰/۱۶$	$۰/۰۳$	$۰/۳۱^{**}$	$۰/۱۵$	$۰/۰۳$	$۰/۲۴^*$	$۰/۲۸^{**}$	۱		
۱۰. سبک شوخ‌طبعی پرخاشگرانه	$-۰/۰۹$	$۰/۰۲$	$-۰/۰۵$	$۰/۰۸$	$۰/۱۳$	$۰/۰۵$	$-۰/۰۹$	$-۰/۲۳^*$	$-۰/۰۲$	۱	
۱۱. سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده	$-۰/۱۵$	$-۰/۰۲$	$-۰/۱۳$	$۰/۱۳$	$۰/۰۹$	$۰/۰۴$	$۰/۰۲$	$۰/۰۶$	$۰/۰۸$	$۰/۴۴^{**}$	۱

** همبستگی در سطح $۰/۰۱$ معنادار است. * همبستگی در سطح $۰/۰۵$ معنادار است.

در زنان داشت ($P < ۰/۰۵$). در سبک‌های شوخ‌طبعی نیز، سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده ($۰/۱۱$) همبستگی مثبت و معناداری با رضایت زناشویی در زنان نشان داد. همچنین، سبک‌های شوخ‌طبعی پرخاشگرانه ($-۰/۲۰$) و خودکاهنده ($-۰/۲۷$) رابطه منفی و معناداری با رضایت زناشویی در زنان داشتند.

در جدول ۴ نتایج همبستگی پیرسون در گروه زنان گزارش شده است. بر اساس نتایج جدول، سبک‌های عشق‌ورزی اروس ($۰/۷۰$)، استورگ ($۰/۳۳$) و پراگما ($۰/۳۹$) همبستگی مثبت و معناداری با رضایت زناشویی در زنان داشتند ($P < ۰/۰۱$). همچنین، سبک عشق‌ورزی آگاه ($۰/۱۳$) رابطه مثبت و معناداری با رضایت زناشویی

جدول ۴. ضرایب همبستگی پیرسون بین سبک‌های عشق‌ورزی، سبک‌های شوخ‌طبعی و رضایت زناشویی در گروه زنان

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. رضایت زناشویی	۱										
۲. اروس	$۰/۷۰^{**}$	۱									
۳. لودوس	$-۰/۱۷$	$۰/۱۷^{**}$	۱								
۴. استورگ	$۰/۳۳^{**}$	$۰/۴۰^{**}$	$۰/۱۶^*$	۱							
۵. پراگما	$۰/۳۹^{**}$	$۰/۴۶^{**}$	$۰/۱۴^*$	$۰/۳۰^*$	۱						
۶. مانیا	$-۰/۰۱$	$۰/۱۰$	$-۰/۰۴$	$۰/۰۴$	$۰/۱۳^*$	۱					
۷. آگاه	$۰/۱۳^*$	$۰/۲۱^{**}$	$۰/۱۳^*$	$۰/۱۴^*$	$۰/۱۱$	$۰/۲۵^{**}$	۱				
۸. سبک شوخ‌طبعی پیونددهنده	$۰/۰۲$	$۰/۰۸$	$-۰/۰۳$	$۰/۰۶$	$-۰/۰۱$	$-۰/۱۲^*$	$-۰/۰۵$	۱			
۹. سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده	$۰/۱۱^*$	$۰/۱۳^*$	$۰/۱۰$	$۰/۰۸$	$۰/۱۳^*$	$۰/۰۰$	$۰/۰۳$	$۰/۲۵^{**}$	۱		
۱۰. سبک شوخ‌طبعی پرخاشگرانه	$-۰/۲۰^{**}$	$-۰/۱۰$	$-۰/۰۵$	$۰/۰۲$	$۰/۰۴$	$-۰/۰۹$	$۰/۰۸$	$۰/۱۲^*$	$۰/۰۲$	۱	
۱۱. سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده	$-۰/۲۷^{**}$	$-۰/۱۷^*$	$۰/۰۴$	$-۰/۰۱$	$-۰/۱۰$	$۰/۱۱$	$۰/۱۳^*$	$۰/۰۲$	$۰/۲۱^*$	$۰/۴۲^{**}$	۱

** همبستگی در سطح $۰/۰۱$ معنادار است. * همبستگی در سطح $۰/۰۵$ معنادار است.

نهایی، متغیرهای اروس، سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده، استورگ، پراگما و مانیا سهم معناداری در پیش‌بینی رضایت زناشویی گروه نمونه داشتند. در نهایت، این مدل توانست ۴۹ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین کند. لازم به ذکر است که در معادله رگرسیون، متغیر جنسیت سهم معناداری در پیش‌بینی رضایت زناشویی نداشت و از معادله حذف شد.

برای بررسی نقش و سهم متغیرهای پیش‌بین در تعیین واریانس رضایت زناشویی، از تحلیل رگرسیون به شیوه گام‌به‌گام استفاده شد. در این تحلیل، متغیرهای جنسیت، سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان داد که مدل رگرسیون در پنج گام موفق به پیش‌بینی رضایت زناشویی در نمونه پژوهش شده است. در گام

جدول ۵. تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی رضایت زناشویی از طریق جنسیت، سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی

مدل	متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		t	R	R ²	R ² تعدیل شده	sig
		B	خطای استاندارد	Beta	Beta					
۱	اروس	۶/۵۶	۰/۳۶	۰/۶۶	۱۷/۸۰	۰/۶۶	۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۰۰۱	
۲	اروس	۶/۳۶	۰/۴۰	۰/۶۴	۱۷/۴۲	۰/۶۴	۰/۴۶	۰/۴۶	۰/۰۰۱	
	سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده	-۰/۵۲	۰/۱۳	-۰/۱۴	-۳/۹۹	-۰/۱۴	۰/۶۸	۰/۶۸	۰/۰۰۱	
۳	اروس	۵/۷۵	۰/۴۰	۰/۵۸	۱۴/۲۸	۰/۵۸	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۰۰۱	
	سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده	-۰/۵۵	۰/۱۳	-۰/۱۵	-۴/۲۳	-۰/۱۵	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۰۰۱	
	استورگ	۰/۹۹	۰/۲۹	۰/۱۳	۳/۳۵	۰/۱۳	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۰۰۱	
۴	اروس	۵/۴۱	۰/۴۲	۰/۵۵	۱۲/۸۸	۰/۵۵	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	
	سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده	-۰/۵۵	۰/۱۳	-۰/۱۴	-۳/۹۹	-۰/۱۴	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	
	استورگ	۰/۸۲	۰/۳۰	۰/۱۱	۲/۷۵	۰/۱۱	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	
	پراگما	۱/۳۵	۰/۵۱	۰/۱۰	۲/۶۲	۰/۱۰	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	
۵	اروس	۵/۴۸	۰/۴۲	۰/۵۵	۱۳/۰۷	۰/۵۵	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	
	سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده	-۰/۵۱	۰/۱۳	-۰/۱۴	-۳/۹۹	-۰/۱۴	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	
	استورگ	۰/۷۹	۰/۳۰	۰/۱۰	۲/۶۵	۰/۱۰	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	
	پراگما	۱/۴۶	۰/۵۱	۰/۱۱	۲/۸۴	۰/۱۱	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	
	مانیا	-۰/۹۸	۰/۴۴	-۰/۰۸	-۲/۲۰	-۰/۰۸	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۰۰۱	

بحث

سبک عشق مانیا (عشق وابسته و تصاحب‌کننده) با رضایت زناشویی یافته بودند، همخوان نیست؛ اما، با پژوهش تقوی (۲۰۱۴) که در بافت ایران انجام شده بود همخوان است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان بر اهمیت و تاثیر متفاوت هر یک از سبک‌های عشق‌ورزی، در ایجاد و حفظ روابط زناشویی سالم تاکید کرد. به‌ویژه، عشق رمانتیک که به‌شدت با هیجان و شور عاطفی همراه است، می‌تواند موجب تقویت جذابیت و شور اولیه در رابطه شود و به حفظ رضایت در بلندمدت کمک کند. این سبک عشق، معمولاً با احساسات و وابستگی شدید همراه است که می‌تواند رابطه را پرچرب‌وجوش و پرنرژی نگه دارد (هندریک و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین، عشق دوستانه که پایه‌گذار آن دوستی، حمایت‌های متقابل و اعتماد است، می‌تواند به استحکام روابط کمک کند و از بروز مشکلات و تعارضات پیشگیری کند. در چنین روابطی، زوج‌ها بیشتر می‌توانند به یکدیگر تکیه کنند و به‌راحتی از عهده مسائل و چالش‌ها

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک‌های عشق‌ورزی و سبک‌های شوخ‌طبعی بر رضایت زناشویی انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که در مردان سبک‌های عشق اروس (عشق رمانتیک)، استورگ (عشق دوستانه)، پراگما (عشق عقلانی) و آگاه (عشق ایثارگرانه) رابطه مثبت و معناداری با رضایت زناشویی داشتند. در زنان نیز، سبک‌های عشق اروس (عشق رمانتیک)، لودوس (عشق بازیگوشانه)، استورگ (عشق دوستانه)، پراگما (عشق عقلانی) و آگاه (عشق ایثارگرانه) رابطه مثبت و معناداری با رضایت زناشویی داشتند. این نتایج با یافته‌های مطالعات قبلی (راهام، ۲۰۱۱؛ فهر و همکاران، ۲۰۱۴؛ نتو و پینتو، ۲۰۱۵؛ و دس و همکاران، ۲۰۱۶؛ هموک و ریچارسون، ۲۰۱۱) هم‌راستا است. همچنین، در این پژوهش بین سبک عشق مانیا (عشق وابسته و تصاحب‌کننده) با رضایت زناشویی رابطه معناداری یافت نشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های نتو و پینتو (۲۰۱۵) و گودبوی و همکاران (۲۰۱۲) که رابطه منفی معناداری بین

گوردن و همکاران، ۱۹۹۹) همخوان است. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند سبک‌های شوخ‌طبعی به تقویت رابطه و افزایش رضایت زناشویی کمک می‌کنند؛ اما، سبک‌های پرخاشگرانه و خودکاهنده، به دلیل تاثیر منفی بر روحیه همسر و ایجاد تعارض، ممکن است رضایت زناشویی را کاهش دهند. در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک‌های شوخ‌طبعی می‌توانند تاثیر قابل توجهی بر کیفیت روابط زناشویی داشته باشند. سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده، به معنای استفاده از شوخی‌های مثبت و دلگرم‌کننده، می‌تواند روابط عاطفی را تقویت کند و منجر به بهبود کیفیت زندگی مشترک شود. این نوع شوخی‌ها با کاهش استرس‌های روزمره و تقویت احساسات مثبت، نگرش زوجین را نسبت به چالش‌های زندگی بهبود می‌بخشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده به تقویت ارتباط عاطفی و افزایش محبت و صمیمیت زوجین کمک می‌کند و در نتیجه، رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد (مارتین، ۲۰۰۷). به طور کلی، زوج‌هایی که از این سبک شوخ‌طبعی استفاده می‌کنند، روابطی گرم‌تر و شادتر تجربه می‌کنند.

در مقابل، سبک شوخ‌طبعی پرخاشگرانه، که شامل تمسخر، انتقاد یا تحقیر است، می‌تواند تاثیرات مخربی بر روابط زناشویی داشته باشد. این نوع شوخی‌ها موجب آسیب رساندن به اعتماد و احترام متقابل می‌شوند و تنش‌ها و تعارضات را در زندگی مشترک افزایش می‌دهند. زوجین برای حفظ روابط سالم، نیازمند فضایی مبتنی بر احترام و حمایت هستند؛ اما، سبک شوخ‌طبعی پرخاشگرانه این فضا را تهدید می‌کند و در نتیجه، رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد (بوتز و کوپپیر، ۲۰۰۴). علاوه بر این، سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده نیز ممکن است تاثیرات منفی بر روابط زناشویی داشته باشد. این سبک شوخ‌طبعی، که در آن فرد با انتقاد یا تمسخر خود به شوخی می‌پردازد، می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس و خودارزشی منجر شود. در زندگی زناشویی، چنین رفتارهایی ممکن است احساس شک و تردید در مورد ارزشمندی فرد و رابطه ایجاد کنند. اگر یکی از زوجین به طور مکرر خود را بی‌ارزش جلوه دهد، طرف مقابل ممکن است احساس کند که همسرش از خود ناراضی است؛ این امر می‌تواند صمیمیت و محبت را کاهش دهد و به تدریج فاصله عاطفی ایجاد کند (مارتین، ۲۰۰۷).

تفاوت‌های جنسیتی در رابطه بین سبک‌های شوخ‌طبعی و رضایت زناشویی، می‌تواند ناشی از تفاوت‌های روان‌شناختی و فرهنگی بین مردان و زنان باشد (کازاریان و مارتین، ۲۰۰۴؛ هاینتر و روش، ۲۰۱۵). در مردان، تنها سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری داشت. این یافته نشان می‌دهد که مردان بیشتر از شوخ‌طبعی، برای تقویت اعتماد به نفس و ایجاد ارتباط مثبت در رابطه استفاده می‌کنند. این نوع شوخ‌طبعی می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد و فضای صمیمانه‌تری در رابطه ایجاد کند که در نهایت،

برآیند، که این امر به بهبود رضایت زناشویی می‌انجامد (هندرسکس و هانت، ۲۰۰۴).

علاوه بر این، عشق عقلانی که در آن زوجین دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و پذیرفته‌تری از یکدیگر دارند، می‌تواند در کاهش انتظارات غیرمنطقی و ایجاد تفاهم‌های عمیق‌تر در رابطه کمک کند و در نتیجه، موجب رضایت بیشتر از زندگی زناشویی شود. این سبک عشق، به افراد کمک می‌کند تا ویژگی‌ها و محدودیت‌های شریک زندگی خود را به طور واقع‌بینانه‌تر مشاهده کنند و برای حل مشکلات و تعارضات، به رویکردهای معقولانه‌تری دست یابند (هندریک و هندریکس، ۱۹۸۶). در نهایت، عشق ایثارگرانه که بر روی فداکاری و اولویت دادن به نیازهای شریک زندگی تاکید دارد، می‌تواند به روابط کمک کند تا با گذشت زمان و در مواجهه با چالش‌ها و دشواری‌های زندگی، دوام بیاورند و رضایت زناشویی را افزایش دهند. این سبک عشق موجب می‌شود که افراد به طور مداوم به یکدیگر توجه کنند، از یکدیگر مراقبت کنند و نیازهای عاطفی یکدیگر را برآورده سازند، که خود موجب افزایش رضایت از رابطه می‌شود (فهر و همکاران، ۲۰۱۴).

در مجموع، تمام سبک‌های عشق‌ورزی می‌توانند با ویژگی‌های خاص خود، به استحکام رابطه و تقویت رضایت زناشویی کمک کنند و از آنجاکه رضایت زناشویی به تعاملات مثبت و سالم بین زوجین بستگی دارد، این یافته‌ها نشان‌دهنده تاثیر هر یک از سبک‌های عشق‌ورزی بر ایجاد چنین تعاملاتی هستند. در مورد عدم معناداری رابطه بین سبک عشق مانیا (عشق وابسته و تصاحب‌کننده) و رضایت زناشویی و تضاد آن با ادبیات پژوهش در خارج کشور، در مقابل هخموانی آن با پژوهش تقوی (۲۰۱۴) که در ایران انجام شده بود؛ می‌توان این مساله را از چند زاویه تفسیر کرد. می‌توان گفت، تاثیر این سبک عشق بر رضایت زناشویی نه به طور مثبت و نه به طور منفی است؛ این می‌تواند به واسطه ویژگی‌های خاص روابط تحت تاثیر این سبک عشق باشد. به این معنا که در بعضی از روابط، وابستگی‌های ناشی از سبک عشق مانیا ممکن است به طور موقت احساس رضایت را تقویت کند؛ در حالی که، در روابط دیگر ممکن است چنین وابستگی‌هایی باعث ایجاد فشار و تنش‌های عاطفی شود و در نتیجه تاثیر منفی بر رضایت داشته باشد. همچنین، این امر می‌تواند به تفاوت‌های فردی، شرایط فرهنگی و اجتماعی یا حتی طول مدت و ثبات رابطه بستگی داشته باشد.

یافته‌های پژوهش نشان داد در مردان تنها سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری داشت؛ در حالی که، در زنان سبک‌های شوخ‌طبعی خودافزاینده، پرخاشگرانه و خودکاهنده رابطه معناداری با رضایت زناشویی داشتند. این نتایج با یافته‌های مطالعات قبلی (اکس‌استاین و همکاران، ۲۰۰۳؛ دراو و گاتمن، ۲۰۰۴؛ ساروگلو و همکاران، ۲۰۱۰؛ کازاریان و مارتین، ۲۰۰۶؛

برای پیش‌بینی رضایت زناشویی، لازم است روابط پیچیده‌تر و تعاملات بین متغیرها را نیز مدنظر قرار داد؛ زیرا، مدل‌های پیچیده‌تر می‌توانند تصویر جامع‌تری از تاثیر متغیرها بر رضایت زناشویی ارائه دهند.

یکی از نتایج جانبی این پژوهش این بود که میزان رضایت زناشویی به‌طور معناداری در مردان بیشتر از زنان بود. تفاوت‌های جنسیتی در ارزیابی‌های رضایت زناشویی به‌طور گسترده‌ای شناخته شده است. به طوری که، زنان معمولاً ازدواج خود را نسبت به مردان، کمتر مثبت ارزیابی می‌کنند (جکسون و همکاران، ۲۰۱۴؛ میرسون و ویلیامز، ۲۰۰۵؛ وینسور و باتروورث، ۲۰۱۰). برای مثال، تحلیل داده‌های یک نظرسنجی نشان داد که زنان مسن‌تر از مردان همسن خود، رضایت کمتری از ازدواج و قدرت در روابط زناشویی گزارش می‌دهند (بولاندا، ۲۰۱۱). به‌طور مشابه، نتایج مطالعات مشاهده‌ای در بزرگسالان مسن‌تر نشان می‌دهد که در شناسایی مشکلات زناشویی، زنان بیشتر مواجهه‌گر و مستقیم هستند؛ در حالی که، مردان تمایل دارند از مشکلات طفره برونند یا آن را نادیده بگیرند (کارستنسن و همکاران، ۱۹۹۵). مردان به‌طور مداوم ارزیابی‌های مثبت‌تری از رفتار همسر خود نسبت به زنان ارائه دادند؛ در حالی که، تفاوت‌های جنسیتی کمتری در ارزیابی رفتار خود فرد نسبت به همسر مشاهده شد. به عبارت دیگر، مردان و زنان خود را به‌عنوان همسرانی خوب ارزیابی کردند؛ اما، مردان همسران خود را مثبت‌تر از آنچه زنان شوهرانشان را ارزیابی کردند، ارزیابی کرده بودند (هلگسون، ۱۹۹۴).

همچنین، مردان ممکن است ویژگی‌ها و رفتارهایی را که انتظار دارند زنان از خود نشان دهند، به همسران خود نسبت دهند. این با مفاهیم نظریه‌های مبتنی بر انتظار هم‌خوانی دارد که توصیف می‌کند چگونه افراد اعضای گروه‌های اجتماعی خاص (مانند زنان) را زمانی که با انتظارات گروه هم‌خوانی دارند، به‌طور مثبت ارزیابی می‌کنند (ایگلی و دیکمن، ۲۰۰۵). همچنین، شاید بتوان تفاوت در رضایت زناشویی بین مردان و زنان استان چهارمحال و بختیاری را با در نظر گرفتن ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و انتظارات جنسیتی تبیین کرد. مردان به‌دلیل حمایت اجتماعی بیشتر، نقش‌های اقتصادی تثبیت‌شده و دیدگاه وظیفه‌گرایانه نسبت به ازدواج، ممکن است میزان رضایت بالاتری را تجربه کنند. در مقابل، زنان که درگیر چالش‌های روزمره زندگی خانوادگی، مدیریت خانه و انتظارات اجتماعی هستند، ممکن است در ارزیابی‌های خود از رضایت زناشویی، دیدگاه متفاوتی داشته باشند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به استفاده از روش همبستگی اشاره کرد که امکان شناسایی روابط علی میان متغیرها را فراهم نمی‌کند و در تبیین مکانیسم‌های تاثیر متغیرهای پیش‌بین بر رضایت زناشویی محدود است. همچنین، انجام پژوهش تنها در استان چهارمحال و بختیاری، تعمیم‌پذیری نتایج به سایر

به افزایش رضایت زناشویی می‌انجامد. اما، در زنان، علاوه بر سبک شوخ‌طبعی خودافزاینده، سبک‌های شوخ‌طبعی پرخاشگرانه و خودکاهنده نیز با رضایت زناشویی رابطه معنادار داشتند، البته به‌صورت منفی. این نشان‌دهنده آن است که زنان ممکن است از شوخ‌طبعی، برای مقابله با مشکلات یا احساسات منفی در رابطه استفاده کنند. سبک‌های شوخ‌طبعی پرخاشگرانه و خودکاهنده می‌توانند به‌عنوان واکنشی به تنش‌ها یا مشکلات ارتباطی عمل کنند و در کوتاه‌مدت احساس بهبود ایجاد کنند؛ اما، در بلندمدت ممکن است اثرات منفی بر رضایت زناشویی داشته باشند. این تفاوت‌ها به احتمال زیاد تحت تاثیر ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی جنسیت‌ها قرار دارند و به شیوه‌های مختلف در تعاملات زناشویی مشاهده می‌شوند (کازاریان و مارتین، ۲۰۰۴).

تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نیز در پنج گام، رضایت زناشویی را پیش‌بینی کرد. بر اساس یافته‌های رگرسیونی در گام نهایی، متغیرهای اروس، سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده، استورگ، پراگما و مانیا در پیش‌بینی رضایت زناشویی سهم معناداری داشتند. در واقع، ۴۹ درصد از واریانس رضایت زناشویی توسط این متغیرها تبیین می‌شود و اروس (عشق رمانتیک) سهم معنادارتری در پیش‌بینی رضایت زناشویی داشت که می‌تواند به دلایل مختلف روان‌شناختی و اجتماعی باشد. عشق رمانتیک، به‌طور معمول با هیجان، ایده‌آل‌گرایی و احساسات قوی در ارتباط است که به ایجاد پیوند عاطفی عمیق‌تر و قوی‌تر بین زوجین منجر می‌شود. این سبک عشق می‌تواند در ابتدای رابطه و همچنین در طول زندگی زناشویی، برای حفظ ارتباط عاطفی و جلوگیری از سردی و فاصله احساسی بین زوجین موثر باشد. عشق رمانتیک در مردان و زنان می‌تواند به‌عنوان یک عامل انگیزشی قوی در روابط زناشویی عمل کند و به بهبود روابط و تقویت رضایت منتهی شود (هندریک و هندریک، ۱۹۸۶). همچنین، سبک شوخ‌طبعی خودکاهنده می‌تواند به‌عنوان عاملی برای کاهش تنش‌های احساسی و اجتماعی در روابط عمل کند که در زنان ممکن است به ایجاد آرامش و رضایت زناشویی بیشتر منجر شود. استورگ (عشق دوستانه) نیز تاثیر معناداری بر رضایت زناشویی داشت که ممکن است به اهمیت روابط دوستانه و حمایت‌های اجتماعی در روابط زناشویی اشاره داشته باشد. علاوه بر این، در حالی که در تحلیل همبستگی پیرسون، مانیا (عشق وابسته و تصاحب‌کننده) و رضایت زناشویی همبستگی معناداری نداشتند؛ اما، در تحلیل رگرسیون، مانیا به‌عنوان یک پیش‌بین معنادار در پیش‌بینی رضایت زناشویی ظاهر شد. این تفاوت به این دلیل است که تحلیل رگرسیون می‌تواند اثرات ترکیبی و تعاملی متغیرها را در نظر بگیرد؛ به این معنا که، حتی اگر یک متغیر به تنهایی همبستگی معناداری نداشته باشد، ممکن است در ترکیب با سایر متغیرها اثر معناداری پیدا کند. بنابراین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که

سوگیری‌های خوداظهاری کاسته شود. همچنین، در حوزه کاربرد، تقویت عشق رمانتیک، آموزش سبک‌های مختلف عشق‌ورزی، بهره‌گیری از شوخ‌طبعی به‌عنوان ابزاری برای کاهش تنش‌های زناشویی و طراحی برنامه‌های مشاوره‌ای متناسب با جنسیت و ویژگی‌های فردی زوجین پیشنهاد می‌شود.

مناطق جغرافیایی و فرهنگی را با محدودیت مواجه می‌سازد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از روش‌های علی مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری یا طرح‌های تجربی استفاده شود، نمونه‌گیری از مناطق مختلف جغرافیایی و فرهنگی صورت گیرد و از روش‌های متنوع‌تری برای گردآوری داده‌ها بهره گرفته شود تا از

قدردانی: از تمامی افرادی که در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و نگارش پژوهش کمک کردند، قدردانی می‌شود. همچنین، از شرکت‌کنندگان پژوهش که با علاقه و همکاری در این مطالعه شرکت نمودند، تشکر ویژه به عمل می‌آید. بدون حمایت و همکاری شما، این پژوهش نمی‌توانست به مرحله اجرایی برسد.

تعارض منافع: در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع مالی یا غیرمالی وجود نداشت. تمامی مراحل پژوهش با رویکرد علمی و بی‌طرفانه انجام شد و هیچ‌گونه انگیزه شخصی یا مالی در اجرای پژوهش دخیل نبود.

حامی مالی: این پژوهش بدون حمایت مالی از سازمان‌ها یا نهادهای خاصی انجام شد و تمامی هزینه‌ها توسط پژوهشگران و از منابع شخصی تأمین شد.

Reference

- Abreu-Afonso, J., Ramos, M. M., Queiroz-Garcia, I., & Leal, I. (2022). How Couple's Relationship Lasts Over Time? A Model for Marital Satisfaction. *Psychological reports*, 125(3), 1601-1627. <https://doi.org/10.1177/00332941211000651>
- Acevedo, B. P., & Aron, A. (2009). Does a long-term relationship kill romantic love? *Review of General Psychology*, 13(1), 59-65. <https://doi.org/10.1037/a0014226>
- Agus, M., Puddu, L., & Raffagnino, R. (2021). Exploring the Similarity of Partners' Love Styles and Their Relationships with Marital Satisfaction: A Dyadic Approach. *Sage Open*, 11(4). <https://doi.org/10.1177/21582440211040785>
- Ahadi, B., Mohammadi, A., & Karimi, M. (2012). Validation and psychometric properties of the ENRICH Marital Satisfaction Questionnaire in a sample of Iranian couples. *Counseling Research*, 8(30), 65-78. [In Persian]
- Amato, P. R., & Keith, B. (1991). Parental divorce and adult well-being: A meta-analysis. *Journal of Marriage and the Family*, 53, 43-58. <http://dx.doi.org/10.2307/353132>
- Ammerman, M. C. (2002). *Gender differences in the use of humor in intimate relationships and marital adjustment*. [Doctoral dissertation, Peperdine University, USA].
- Berscheid, E. (2010). Love in the fourth dimension. *Annual Review of Psychology*, 61(1), 1-25. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.093008.100318>
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 964-980. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2000.00964.x>
- Bressler, E. R., & Balshine, S. (2006). The influence of humor on desirability. *Evolution and Human Behavior*, 27(1), 29-39. <https://doi.org/10.1016/j.evolhumbehav.2005.06.002>
- Butzer, B., & Kuiper, N. A. (2008). Humor use in romantic relationships: The effects of relationship satisfaction and pleasant versus conflict situations. *The Journal of Psychology*, 142(3), 245-260. <https://doi.org/10.3200/JRLP.142.3.245-260>
- Carstensen, L. L., Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (1995). Emotional behavior in long-term marriage. *Psychology and Aging*, 10(1), 140-149. <https://doi.org/10.1037/0882-7974.10.1.140>
- Çelik, E. (2012). *An investigation of married individuals' levels of sexual self-confidence in relation to sexual self-efficacy, marital life satisfaction, and sexual shyness* [Doctoral dissertation, Sakarya University, Sakarya].
- Çetin, B. T. (2010). *Prediction of marital satisfaction based on certain variables* [Master's thesis, Ege Üniversitesi, İzmir].
- Choi, E., & Jung, S. Y. (2021). Marital satisfaction and depressive symptoms among Koreancouples with young children: Dyadic autoregressive cross-lagged modeling. *Family Relations*, 70(5), 1384-1398. <https://doi.org/10.1111/fare.12570>

- Craig, R. J., & Olsen, R. E. (1995). 16 PF profiles and typologies for patients seen in marital therapy. *Psychological Reports*, 77(1), 187-194.
<http://dx.doi.org/10.2466/pr0.1995.77.1.187>
- De Koning, E., & Weiss, R. L. (2002). The relational humor inventory: Functions of humor in close relationships. *The American Journal of Family Therapy*, 30(1), 1-18.
<https://doi.org/10.1080/019261802753455615>
- Derebaşı, I. (2004). *Evlilik doyumu ölçeğinin (MSI-R) madde cevap kuramına dayalı olarak psikometrik özelliklerinin incelenmesi ve adaptasyon çalışması*. [Doctoral dissertation, Ege Üniversitesi, İzmir].
- Driver, J. L., & Gottman, J. M. (2004). Daily marital interactions and positive effects during marital conflict among newlywed couples. *Family Process*, 43(3), 301-314.
<https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2004.00024.x>
- Eagly, A. H., & Diekmann, A. B. (2005). What is the problem? Prejudice as an attitude-in-context. In J. Dovidio, P. Glick, & L. Rudman (Eds.), *On the nature of prejudice: Fifty years after Allport* (pp. 19-35). Oxford, UK: Blackwell Publishing.
- Eckstein, D., Junkins, E., & McBrien, R. (2003). Ha, ha, ha: Improving couple and family healthy humor (healthy humor quotient). *The Family Journal*, 11(3), 301-305.
<https://doi.org/10.1177/1066480703252869>
- Eskandari, N., Simbar, M., Vedadhir, A. A., Baghestani, A. R., & Momenyan, S. (2019). Related factors to paternal adaptation: A cross-sectional study for first-time fathers. *Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research*, 24(1), 11-17.
https://doi.org/10.4103/ijnmr.IJNMR_144_17
- Fan, J., Ren, L., & Li, X. (2020). Contributions of child temperament and marital quality to coparenting among Chinese families. *Children and Youth Services Review*, 108(2), 104610.
<https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2019.104610>
- Fehr, B., Harasymchuk, C., & Sprecher, S. (2014). Compassionate love in romantic relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 31(5), 575-600.
<https://doi.org/10.1177/0265407514533768>
- Gana, K., Saada, Y., & Untas, A. (2013). Effects of love styles on marital satisfaction in heterosexual couples: A dyadic approach. *Marriage & Family Review*, 49(8), 754-772.
<https://doi.org/10.1080/01494929.2013.834025>
- Goodboy, A. K., & Myers, S. A. (2010). Relational quality indicators and love styles as predictors of negative relational maintenance behaviors in romantic relationships. *Communication Reports*, 23(2), 65-78.
<https://doi.org/10.1080/08934215.2010.511397>
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., Epstein, N., Burnett, C. K., & Rankin, L. A. (1999). The interaction between marital standards and communication patterns: How does it contribute to marital adjustment? *Journal of Marital and Family Therapy*, 25, 211-223.
<https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1999.tb01123.x>
- Hall, S. S. (2006). Marital meaning: Exploring young adults' belief systems about marriage. *Journal of Family Issues*, 27(10), 1437-1458.
<https://doi.org/10.1177/0192513X06290036>
- Hammock, G., & Richardson, D. S. (2011). Love attitudes and relationship experience. *The Journal of Social Psychology*, 151(5), 608-624.
<https://doi.org/10.1080/00224545.2010.522618>
- Heintz, S., & Ruch, W. (2015). An examination of the convergence between conceptualization and the measurement of humor styles: A study of the construct validity of the Humor Styles Questionnaire. *International Journal of Humor Research*, 28(4), 611-633.
<https://doi.org/10.1515/humor-2015-0095>
- Heintz, S., & Ruch, W. (2016). Reply to Martin (2015): Why our conclusions hold. *International Journal of Humor Research*, 29(1), 125-129.
<https://doi.org/10.1515/humor-2015-0132>
- Helgeson, V. (1994). Relation of agency and communion to well-being: Evidence and potential explanations. *Psychological Bulletin*, 116(3), 416-428.
<https://doi.org/10.1037/0033-2909.116.3.412>
- Hendrick, C., Hendrick, S. S., & Dicke, A. (1998). The love attitudes scale: Short form. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15(2), 147-159.
<https://doi.org/10.1177/0265407598152001>

- Hendrick, C., & Hendrick, S. (1986). A theory and method of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50(2), 392-402. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.50.2.392>
- Hendrix, H., & Hunt, H. L. (2004). *Receiving love: Transform your relationship by letting yourself be loved*. Simon and Schuster.
- Hendrix, R. W., Hatfull, G. F., & Smith, M. C. (2003). Bacteriophages with tails: chasing their origins and evolution. *Research in microbiology*, 154(4), 253-257. [https://doi.org/10.1016/S0923-2508\(03\)00068-8](https://doi.org/10.1016/S0923-2508(03)00068-8)
- Hoesni, S. M., Subhi, N., Alavi, K., & Azreena, W. J. (2013). Exploring love and marital satisfaction among married Malay males. *Pertanika Journals of Social Sciences and Humanities*, 21, 59-68. <https://www.researchgate.net/publication/287077331>
- Honeycutt, J. M., & Brown, R. (1998). Did you hear the one about? Typological and spousal differences in the planning of jokes and sense of humor in marriage. *Communication Quarterly*, 46(3), 342-352. <https://doi.org/10.1080/01463379809370106>
- Jackson, J. B., Miller, R. B., Oka, M., & Henry, R. G. (2014). Gender differences in marital satisfaction: A meta-analysis. *Journal of Marriage and Family*, 76(1), 105-129. <https://doi.org/10.1111/jomf.12077>
- Johari, M. (2004). *Humour and marital quality: Is humour style associated with marital success?* [Master's thesis, Wilfrid Laurier University, Canada].
- Kazarian, S. S., & Martin, R. A. (2006). Humor styles, culture-related personality, well-being, and family adjustment among Armenians in Lebanon. *Humor*, 9(4), 405-423. <https://doi.org/10.1515/HUMOR.2006.020>
- Kimberly, C., & Werner-Wilson, R. (2013). From John Lee to John Gottman: Recognizing intra- and interpersonal differences to promote marital satisfaction. *Journal of Human Sciences and Extension*, 1(2), 32-46. <https://doi.org/10.54718/NNHN5184>
- Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does couples' communication predict marital satisfaction, or does marital satisfaction predict communication? *Journal of Marriage and the Family*, 78(3), 680-694. <https://doi.org/10.1111/jomf.12301>
- Markman, H. J. (1992). Marital and family psychology: Burning issues. *Journal of Family Psychology*, 5(3-4), 264-275. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.5.3-4.264>
- Martin, R. A., Puhlik-Doris, P., Larsen, G., Gray, J., & Weir, K. (2003). Individual differences in uses of humor and their relation to psychological well-being: Development of the Humor Styles Questionnaire. *Journal of Research in Personality*, 37(1), 48-75. [https://doi.org/10.1016/S0092-6566\(02\)00534-2](https://doi.org/10.1016/S0092-6566(02)00534-2)
- Narciso, I., & Costa, M. E. (1996). Satisfied but not perfect love. *Cadernos de Consulta Psicológica*, 12, 115-130.
- Neto, F., & Pinto, M. C. (2015). Satisfaction with Love Life Across the Adult Life Span. *Applied Research in Quality of Life*, 10(2), 289-304. <https://doi.org/10.1007/s11482-014-9314-6>
- Olson, D. H., Fournier, D. G., & Druckman, J. M. (1987). *Counselor's manual for PREPARE/ENRICH* (Rev. ed.). Minneapolis, MN: PREPARE/ENRICH, Inc.
- Olson, D. H., McCubbin, H. I., Barnes, H. L., Larsen, A. S., Muxen, M. J., & Wilson, M. A. (1983). *Families: What makes them work*. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- Pourmohseni Kaloori, F. (2016). Gender differences in attachment styles and personality traits in predicting love styles among students. *Cognitive and Behavioral Sciences Research*, 6(1), 17-32. <https://doi.org/10.22108/cbs.2016.20751> [In Persian]
- Reinhold, S. (2010). Reassessing the link between premarital cohabitation and marital instability. *Demography*, 47, 719-733. <https://doi.org/10.1353/dem.0.0122>
- Saroglou, V., Lacour, C., & Demeure, M. E. (2010). Bad humor, bad marriage: Humor styles in divorced and married couples. *Europe's Journal of Psychology*, 6(3), 94-121. [doi: 10.5964/ejop.v6i3.210](https://doi.org/10.5964/ejop.v6i3.210)
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2013). *Using Multivariate Statistics* (6th ed.). Pearson Education.
- Taghavi Dinani, P., Samkhaniyan, E., Hamidi, M., & Arkiyan, F. (2014). Study on the relationship between love attitudes and marital satisfaction among married women. *European online journal of natural and social*

- sciences, 3(3), 468. <https://european-science.com/eojnss/article/view/778>
- Umberson, D., Williams, K., Powers, D. A., Liu, H., & Needham, B. (2006). You make me sick: Marital quality and health over life course. *Journal of Health and Social Behavior*, 47(1), 1-16. <https://doi.org/10.1177/002214650604700101>
- Üncü, S. (2007). *The relationship between emotional intelligence and marital satisfaction*. [Master's thesis, Ankara University].
- Vedes, A., Hilpert, P., Nussbeck, F. W., Randall, A. K., Bodenmann, G., & Lind, W. R. (2016). Love styles, coping, and relationship satisfaction: A dyadic approach. *Personal Relationships*, 23(1), 84-97. <https://doi.org/10.1111/per.12112>
- Wais, P. C. L., Liria, M. C. L., & Medina, E. L. M. (2017). Propiedades psicométricas de la escala de actitudes sobre el amor (LAS) en universitarios peruanos. *Acta colombiana de Psicología*, 20(2), 270-281. <https://doi.org/10.14718/ACP.2017.20.2.13>
- Williamson, I., & Gonzales, M. H. (2007). The Subjective Experience of forgiveness: Positive construals of the forgiveness experience. *Journal of Social and Clinical and Psychology*, 26(4), 407-446. <http://dx.doi.org/10.1521/jscp.2007.26.4.407>
- Windsor, T. D., & Butterworth, P. (2010). Supportive, aversive, ambivalent, and indifferent partner evaluations in midlife and young-old adulthood. *Journal of Gerontology: Psychological Sciences*, 65(3), 287-295. <https://doi.org/10.1093/geronb/gbq016>
- Yoo, G., & Joo, S. (2022). Love for a marriage story: the association between love and marital satisfaction in middle adulthood. *Journal of Child and Family Studies*, 31(6), 1570-1581. <https://doi.org/10.1007/s10826-021-02055-6>
- Zare, H., Kamali Zarch, M., & Rezaei-Nasab, F. (2009). Humor styles and the five personality traits. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 6(22), 119-128. https://journals.iau.ir/article_512325.html [In Persian]